

اقتصاد پایه-انرژی

دنیای تجاری-سیاسی قرن ۲۱ تدابیر خود را می‌طلبد. رشد صادرات نفتی، از دیدگاهی، قابل ملاحظه و تقدیر است و جای امیدواری دارد. واقعیت این است که کشورمان در ۵۰ سال اخیر به دنبال "آزمون خارج شدن از صادرات نفتی" بوده است، ولی خیلی موفق عمل نکرده‌ایم. الان نیز قسمت عمده‌ای از "صادرات غیرنفتی" شامل فرآورده‌های نفتی هستند. به نظر ما در کنار تلاش برای خارج شدن از صادرات نفت خام، دو استراتژی زیر را بررسی کنیم:

(۱) اقتصاد پایه-انرژی (۲) اقتصاد فرا انرژی

به صورت تاریخی، تلاش ما روی استراتژی دوم زیاد بوده است، ولی نتایج امیدوار کننده نیستند. لذا پیشنهاد می‌کنیم روی استراتژی اول - به صورتی موازی و فراگیر - بیشتر کار کنیم. این استراتژی تولید محصولات متنوع، ارزیابی ساختار صنعت انرژی، خصوصی سازی، کار آفرینی برای جوانان، تحقیق و توسعه و حمایت‌های معقول را شامل خواهد شد. استراتژی اقتصاد انرژی - اگر درست از آن استفاده کنیم - می‌تواند جهشی به اقتصادمان بدهد. فراموش نکنیم که امروز حتی در مواردی نظیر سرمایه و تکنولوژی در صنعت نفتمان مشکل داریم. باید آستین‌ها را بالا زد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "ما کجاییم در این بحر تجارت، تو کجا؟" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

تحریم‌ها مقدمات خروج شرکت‌های بزرگ نفتی را از ایران فراهم آورده است و به همین دلیل، اکنون این صنعت پول ساز هم از حال و روز چندان مساعدی - به دلیل اُفت استخراج - برخوردار نیست. امروز صحبت آن است که اگر سرمایه‌گذاری لازم در صنعت نفت صورت نگیرد، در چند سال آتی، همین توان کنونی صادرات نفتی را هم از دست می‌دهیم.

امروز، کشورهای غربی در پی آنند که طی مذاکره با کشورهای صادر کننده نفت در خلیج فارس، امنیت انرژی خریداران نفت ایران را تضمین کنند و از این طریق، مهمترین آنتی تحریم ایران را خنثی نمایند. سرمایه‌گذاری‌های عظیم کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در چند ماه اخیر برای تولید بیشتر نفت، گواه این موضوع است. بعید نیست با ادامه روند کنونی، سیاست جدید غرب، تحریم صادرات نفت ایران باشد. با توجه به شرایط موجود، توصیه ما به مسئولان این است که در برهه حساس کنونی، استراتژی مناسبی را در سیاست خارجی اتخاذ کنند تا خدای ناکرده شاهد چنین تصمیماتی علیه کشورمان نباشیم.

در نهایت متذکر می‌شویم اگر می‌خواهیم در اداره جهان سهمی در اختیار بگیریم، باید آن را با گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی کسب کنیم. در این خصوص هم چاره‌ای جز بها دادن به تولید نداریم و برای این منظور، باید اول رکود اقتصادی کشور را رفع کنیم. باید قوانین دست و پا گیر سرمایه‌گذاری را در کشور اصلاح کنیم و به سرمایه‌دار احترام بگذاریم. باید موانع توسعه تجارت را در کشور از میان برداریم.

توسعه متوازن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران

همگرایی برای رفاه ملی

ارزیابی دکتر عباسعلی ابونوری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و رییس دانشکده اقتصاد واحد تهران مرکز



عزم ملل و الگوهای آنان

تجربه کشورهای تازه توسعه یافته نشان می‌دهد که در مراحل اولیه توسعه‌گرایی، رشد فقر شتاب بیشتری به خود گرفته، اما به دلیل مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری، ضریب جینی که مبین

توزیع درآمد و عدالت است - اگر چه در کوتاه مدت نرخ نامناسبی داشته - اما در بلند مدت بهبود یافته است. در نهایت، این کشورها با بکارگیری الگوی مناسب برای توسعه متوازن، به رشد اقتصادی و در نتیجه رفاه ملی پایداری دست یافته‌اند.

با توجه به این امر، این سؤال مطرح است که چگونه و با چه مکانیزم و ابزاری، چنین عزمی را در کشور به وجود آوریم؟ مکانیزم اول، اعتماد متقابل مردم و دولت است. نمود این موضوع، رشد اقتصادی کشور است که با تلاش همزمان دولت، بخش خصوصی و مردم به وجود می‌آید. متأسفانه به دلیل بی‌توجهی به اهداف کشور طی سال‌های گذشته، رشد مورد نظر محقق نشده است. مسأله دوم، مقوله فرهنگ و اطلاع رسانی است که برای این منظور باید آگاه سازی مردم از طریق رسانه‌ها یعنی رادیو، تلویزیون و مطبوعات صورت پذیرد. باید به مردم یادآور شویم که اگر کشور سطح معقولی از درآمدهای نفتی را نداشته باشد، نمی‌تواند به برنامه‌های از پیش تعیین شده خود دست یابد؛ هر چند موضوع عدم وابستگی به این درآمدها نباید مغفول واقع شود. به عنوان مثال، اگر چه دولت در حال حاضر سعی کرده در تولید بنزین به خودکفایی برسد، اما این دلیل نمی‌شود که سطح مصرف ما در همان حد نامتعارف قبلی باقی بماند و مردم، عزمی برای اصلاح الگوی ناصحیح مصرف خود نداشته باشند. به عنوان شاهد دیگر که عزم عمومی مردمی را می‌طلبد، می‌توان به قانون هدفمندی

دستیابی به رفاه ملی بر اساس اهداف از پیش تعریف شده، نیازمند ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. این که گاه‌ها در برنامه‌ها مشاهده می‌شود که اهداف، تعریف شده نیستند و یا در انتهای یک برنامه، ارزیابی مناسبی از بودجه ریزی‌های انجام گرفته صورت نمی‌پذیرد، عاملی است که سمت و سوی برنامه ریزی‌ها را با ابهام مواجه می‌کند.

عزم ملی برای دستیابی به سطح معقولی از رفاه ملی که توسط افرادی چون هگینز و یا تئودور شولتز، مدت‌ها قبل مطرح شده، مبین این حقیقت است که تمام بخش‌های اقتصادی یک کشور باید برای دستیابی به رفاه ملی همگام باشند. در حقیقت، جامعه زمانی رشد خواهد کرد که شاهد توسعه متوازن در تمام سطوح باشد. قطعاً اگر برای رفاه تمام عیار ملی عزمی وجود نداشته باشد، شکاف طبقاتی بین غنی و فقیر در کشور افزایش می‌یابد. در این زمینه، عدم توازن در توسعه بخش‌های اقتصادی مختلف، جامعه را از دستیابی به اهداف رفاهی خود باز می‌دارد. این امر، تمام هم و غم مسئولان را در راستای توسعه اقتصادی کشور می‌طلبد. به عنوان مثال، غفلت از بخش کشاورزی، بخش مزبور را با مشکلاتی مواجه می‌سازد که این مشکلات، زمینه انتقال کشاورزان را به بخش‌هایی که فعالیت در آنها به صرفه‌تر است فراهم می‌آورند. در نتیجه، نه تنها کشور در این بخش به توسعه نمی‌رسد، بلکه این مشکلات زمینه ساز بروز خلاءهایی در دیگر بخش‌ها خواهند شد. مثلاً افزایش مهاجرت کشاورزان به جامعه شهری، نه تنها باعث رکود تولید در روستاها می‌شود، بلکه هزینه‌های زندگی شهری را هم افزایش می‌دهد. بنابراین اگر قایل به دیدگاه توسعه‌گرا هستیم، باید در چارچوب توسعه متوازن همه بخش‌های اقتصادی حرکت کنیم و این عزم همه جانبه است که به رفاه عام در کشور منجر خواهد شد.

دیگری در اقتصادمان مواجهیم و آن این است که بخش خصوصی کنونی ایران، توانایی رقابت با دولت را ندارد. البته برای حل این مشکل، باید بخش‌هایی که پتانسیل بیشتری برای واگذاری به بخش خصوصی دارند شناسایی شوند و به موازات، بخش‌های مکمل آنها هم به بخش خصوصی واگذار گردند. بخش کشاورزی به دلیل موقعیت مناسبی که در اختیار دارد، یک نمونه مناسب شمار می‌رود. به موازات واگذاری این بخش، می‌توان بخش صنعتی مکمل آن را هم واگذار کرد تا از این طریق، قدرت رقابتی بخش خصوصی در اقتصاد افزایش یابد. البته در این بین، نباید وظیفه مهم دولت را در زمینه برقراری امنیت سرمایه گذاری در کشور فراموش کرد. در کنار همه این اقدامات، نقش متخصصان و نخبگان کشور از مواردی است که باید به آن توجه ویژه داشت. طبق تحقیقاتی که نگارنده انجام داده، در سال‌های گذشته، کشورهایی همچون ژاپن، کره جنوبی و چین که برندگان بیشتری در جایزه نوبل داشته‌اند، رشد اقتصادی بیشتری را هم کسب کرده‌اند. این مسأله به خوبی نقش نیروی انسانی نخبه، متفکر و متخصص را در پیشبرد اهداف متعالی اقتصاد یک کشور نشان می‌دهد. با توجه به مشکلاتی که همواره در موضوع فرار مغزها در کشورمان با آن مواجهیم، باید با مهیا ساختن ابزارهای لازم، از خروج نخبگان که زمینه ساز رفاه ملی هستند جلوگیری به عمل آورد.

یقیناً اگر امروز در عرصه رفاه اقتصادی با چالش مواجه شده‌ایم، یکی از دلایل آن عدم مدیریت در بهره مندی از نیروهای متخصص و نخبه کشور است. ■

یارانه‌ها اشاره کرد. قطعاً اگر مردم در قبال این طرح، عزمی جدی نداشته باشند، اجرای آن رفاهی را برای کشورمان به همراه نخواهد آورد.

مسأله مهم دیگر، بهره‌وری عوامل تولید به خصوص نیروی کار است. در حال حاضر، بسیاری از افراد به دلیل مشکلات فضای کسب و کار کشور در مشاغلی حضور یافته‌اند که تخصصی در انجام آن ندارند. بی‌شک چنین معضلی، اسباب کاهش بهره‌وری نیروی کار را فراهم می‌آورد. حال آن که اگر توانایی‌های افراد شناسایی شده و مشخص نماییم چه فردی، در چه حیطه‌ای کارایی دارد، بسیاری از مشکلات بهره‌وری نیروی کار موجود در کشور حل خواهند شد.

البته این مسأله، عزم نظام آموزشی و دانشگاهی کشور را می‌طلبد تا رشته‌های متناسب با نیازهای کشور ایجاد کنند. این فکر غلطی است که فقط به دنبال ورود جوانان به دانشگاه باشیم تا از این طریق، نرخ بیکاری کشور را پایین نشان دهیم، چرا که قطعاً همین جوانان در سال‌های آتی وارد بازار کار خواهند شد و بیکاری آنها، مشکلات بسیاری را - علاوه بر تبعات اقتصادی - برای اجتماع به وجود خواهد آورد.

دست و پنجه نرم کردن دولت و خصوصی‌ها

بسیاری از کشورهای توسعه یافته و نوظهوری که امروز به اقتصادی پویا دست یافته‌اند، این مهم را دریافته‌اند که دولت نباید نقش چندان در اقتصاد داشته باشد. اما ما با مشکل

رویکرد اعراب در قبال ایران

بازی اعراب در خلیج فارس

نگاه مؤسسه STRATFOR به تقابل ایران با کشورهای منطقه

یک روز پس از آن که دولت آمریکا، کنگره را از طرح ۶۰ میلیارد دلاری فروش سلاح به عربستان آگاه کرد، ملک عبدالله، پادشاه سعودی، برای صحبت در مورد روابط دو جانبه با محمود احمدی‌نژاد تماس تلفنی برقرار کرد.

باید گفت در شرایطی که ایران و عربستان تقریباً روابط تنش‌زایی را می‌گذرانند، دیگر بازیگران اصلی خلیج فارس سعی می‌کنند خودی نشان دهند. امارات عربی متحده اعلام کرده که در امیر نشین فجیره، واقع در سواحل شرقی این کشور، پایگاهی دریایی افتتاح کرده است. این پایگاه که به دریای عمان راه پیدا می‌کند، یک ترمینال بزرگ ذخیره سازی نفت را در خود جای می‌دهد که از طریق خط لوله نفتی چند میلیارد دلاری، به امیر نشین غنی از نفت ابوظبی متصل می‌شود. هدف امارات از دنبال کردن این برنامه‌ها، ایجاد کانال‌های دیگری برای صادرات نفت و واردات کالا - در صورت مسدود شدن احتمالی تنگه هرمز توسط ایران - می‌باشد.

در جزیره بحرین که ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در آن مستقر است، انتخابات پارلمانی پُرچالشی پشت سر گذاشته شده است؛ انتخاباتی که در آن، خانواده پادشاهی خلیفه سنی بحرین از هیچ کوششی برای محدود کردن فعالیت سیاسی اکثریت شیعه این کشور دریغ نکرده و راه را برای نفوذ همسایه فارس خود بسته است.

ایران آشکارا ذهن کشورهای عرب خلیج فارس را به خود مشغول کرده است. از طرفی، این کشورها تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، شامل عربستان، بحرین، عمان، کویت، قطر و امارات، در مورد عراق - کشوری با اکثریت شیعه که عضو GCC هم نیست - اگر چه خواهان استقرار حکومتی شبیه حکومت صدام حسین نیستند، اما با مشاهده تزلزل ارکان اهل تسنن در این کشور، علیرغم حضور آمریکا در مدت جنگ، دچار بیم و هراس شده‌اند. با این که آمریکا با معرفی و انتخاب ایاد علاوی، عضو سنی سابق



حزب بعث، اولین تلاش جدی خود را به منظور اصلاح این عدم تعادل انجام داده، اما ترکیب دولت جدید عراق نشان می‌دهد که ایران، قدرتی نوظهور در منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود.

همکاری مصلحتی

آمریکا نمی‌خواهد متحدان عرب سنی خود را تنها رها کند. ایالات متحده، یک چهارم ثروت جهان را در اختیار دارد و همین سهم از مصرف سوخت‌های فسیلی جهان را به خود اختصاص می‌دهد که درصد بزرگی از آن را از کشورهای خلیج فارس به دست می‌آورد. البته این بدین معنی نیست که آمریکا لزوماً باید نقش یک پلیس جهانی را بازی کند و هر کجا تهدید هسته‌ای، کُشت و کشتار و امثالهم وجود داشت، دست به اسلحه ببرد. بلکه بدین معنی است که این کشور می‌خواهد با ارتش خود در هر کجا که لازم دانست، موازنه قدرت را برقرار کند.

شرایط منطقه خلیج فارس مدام در حال تغییر است و آمریکا نمی‌تواند در برابر این تغییرات سکوت کند. از نظر آمریکایی‌ها، ایران و عراق می‌توانند مثل دهه ۸۰ سال‌ها به جنگ با یکدیگر ادامه دهند و هیچ یک قادر نباشد دیگری را از میدان به در کند. اما در حال حاضر، عراق در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و برای این که دوباره به جایگاه خود بازگردد، به همراهی با ایرانیان روی آورده است. بنابراین ممکن است مسؤولیت مقابله با ایران، به همسایگان عراق واگذار شود.

دلارهای نفتی، اگر چه به تنهایی عامل قدرت کشورهای خلیج فارس محسوب